



سیدمهدی طالبی دبیرکروه جهان‌شهر

تنها یک روز دیگر چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار می‌شود. روز جمعه عرصه نقش‌آفرینی ملت برای تعیین سرنوشت خود طی ۴ سال آینده است. رقم زن بهترین انتخاب می‌تواند بهره‌های دولت چهاردهم را به بیشترین میزان رسانده و انتخاب بد می‌تواند بهره‌ها را از کف ملت بیرون کند. یک عرصه مهم برای ملت ایران جهت برگزیدن رئیس‌جمهور، شناختی اجمالی از محیط بین‌المللی و موضوعات مرتبط با کشور است.

### نسبت ایران با محورهای دشمن و رقیب

هر کشور در محیطی از رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته و از آنها اثر می‌پذیرد. آنچه از محیط بین‌المللی برای افکار عمومی ایران ترجمه شده صرفاً تحریم، قطعنامه‌های شورای امنیت و پرونده هسته‌ای است درحالی‌که علاوه‌بر این مسائل باید موضوعاتی همچون تورویسم، تخریب کشورهای منطقه و گروه‌های تکفیری را نیز در این راستا دید. این موضوعات مورد توجه بخشی از نخبگان قرار دارند اما افکار عمومی تنها بر بخشی از مسائل متمرکز است. رای دهندگان ایرانی باید نسبت به محیط بین‌المللی کشور و محورهای دشمن و رقیب آشنا بوده و با توجه به این تهدیدات و فرصت‌ها آرایش دولت را تعیین کنند. نگاه به یک مولفه آن هم به شکل ناقص می‌تواند عقب‌ماندگی جبران‌ناپذیری را به کشور تحمیل کند. در ادامه تلاش شده به محورهای دشمن و رقیب ایران در محیط بین‌المللی اشاره شده و پرونده‌های درگیری با آنها مورد بررسی قرار گیرد.

### محورغربی

نگاه محور غربی به ایران بازگشت کشور به فضای پهلوی است که در آن تهران یک دست‌نشانده عضو بلوک غرب به حساب می‌آمد. برداشت‌های غرب با وجود رشد قدرت ایران تغییری نکرده و این مجموعه با وجود گذشت بیش از ۴ دهه از نظام پهلوی، قائل به پذیرش جایگاه جدید تهران نیست. تمام سیاست‌های غرب درباره ایران بر مبنای بازگرداندن کشور به دوران پهلوی طرح‌ریزی شده‌اند و در آنها خبری از تعامل نیست. این مساله نشان می‌دهد حتی با وجود آمادگی ایران برای تعامل با غرب، این مجموعه روی خوشی به تهران نشان نخواهد داد. تجربه دوران خاتمی و روحانی به خوبی این موضوع را نشان داد؛ در هردو دوره با وجود عقب‌نشینی‌های دولت وقت، غرب گام‌هایی رو به جلو برداشت و ضمن افزودن بر شدت تحریم‌ها آغاز به تهدید نظامی کرد. در این دولت‌ها ایران امتیاز می‌داد اما تحت تحریم باقی مانده و تعداد تحریم‌ها نیز افزایش می‌یافتند. گام‌های روبه جلوی غرب در برابر عقب‌نشینی‌های دولت روحانی به‌گونه‌ای بود که تحریم‌های حقوقی تبدیل به تحریم‌های فیزیکی برای محاصره شدند. در همین راستا بود که تلاش شد با توقیف و حمله به خطوط کشتیرانی ایران، تهران تحت محاصره قرار گیرد. نگه‌داشتن ایران در تحریم با معطل کردن کشور هدف اصلی غرب است.

### محور پان‌ترک

ناتو در منطقه اوراسیا به دلیل دشواری‌های گسترش، دست به ایجاد یک نمونه مشابه با خود زده است. «سازمان کشورهای ترک» امتداد محلی سازمان ناتو در اوراسیاست. ساختار سنتی ناتو بر جغرافیای غرب منطبق است و به همان شکل قادر به اعمال مدیریت بر اوراسیا نیست. سازمان کشورهای ترک خدمات ناتو را به شکل غیرمستقیم و پیمانکاری توسط ترکیه به کشورهای عضو در قفقاز و آسیای میانه ارائه می‌دهد. درصورتی‌که حساسیت‌های دولت آتی ایران نسبت به پان‌ترکیسم از بین برود، کشور به دوران پیشامدرن بازگشت می‌کند که در آن به جای حکومت ملی، حکومت ملوک‌الطوایفی حاکم می‌شود. در این صورت محور پان‌ترکیسم با گسترش زیادی روبه‌رو می‌شود. گسترش محور پان‌ترکیسم در اطراف ایران به معنای حضور ناتوست که هدفش تجزیه ایران است.

### محور عربی

نقشه توسعه ایران به سمت دریای مدیترانه تعریف شده است. این منطقه محور اصلی تهدید ارضی و موجودیت ایران است. حضور ایران در این محور نه‌تنها تهدیدات علیه ایران بلکه تهدیدات علیه منطقه را از بین می‌برد. تسلط محور مقاومت ایران-مدیترانه همچنین می‌تواند باعث گسترش مناسبات با شرق آسیا و اروپا شود که جزه مراکز اصلی اقتصاد و تولید جهان هستند. محور دیگر تهدید ایران، خلیج فارس است که آمریکا با استقرار در آن و تحریک کشورهای عربی حاشیه جنوبی به دنبال ضربه به امنیت و اقتصاد تهران است. محور تهران-مدیترانه و خلیج‌فارس هردو شامل کشورهای عربی است که خود را با ایران در یک رقابت فرض می‌کنند. تمرکز ایران بر مرزهای شمال غرب کشور و تلاش برای گسترش همکاری با آنها می‌تواند باعث نادیده گرفتن مسیر اصلی تهدید و توسعه ایران شود.

### محور شرقی

قدرت‌های شرقی تحت فشارهای آمریکا به سمت همگرایی و بالاتر از آن تشکیل یک محور و بلوک مشترک حرکت کرده‌اند. هم‌اکنون چین و روسیه با هماهنگی بسیار بالا متولی و میدان‌دار بلوک شرقی هستند. ایران برای مقابله با توسعه‌طلبی‌های غرب دست به همکاری با این بلوک زده اما قائل به عضویت در دسته‌بندی‌های جهانی نیست. برخی جریانات لیبرال در کشور اما نگاه وارونه‌ای به بلوک‌بندی‌های جهانی دارند. آنها قصد دارند با وجود طرد ایران از سمت غرب و تلاش برای ضربه به کشور، به بلوک غربی متمایل شده و از در دشمنی با بلوک شرق درآیند. این‌گونه ایران از همکاری با غرب رانده و از نزدیکی به شرق مانده می‌شود. این نوع جهت‌گیری همچنین برخلاف واقعیت‌هاست. در زمانی که محور

**حرکت کور در محیط خارجی می‌تواند تبعات سهمگینی برای کشور داشته باشد**

# مخاطرات بین‌المللی انتخاب غلط



منطقه نیز کمتر است.

تلاش‌ها برای تضعیف بنیه نظامی کشور تا جایی پیش رفت که هاشمی‌رفسنجانی در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «دنیای فردا دنیای گفتمان‌هاست نه دنیای موشک‌ها.» او هرچند تحت فشارهای شدید این جمله را تکذیب کرد اما دست‌کم یک‌بار در نشست مهمی با مسئولان دولت روحانی این مطالب را تکرار کرد. گفته‌های هاشمی در شرایطی بیان شدند که ایران در مقابله با داعش و اقدامات آمریکا با اتکا به توان موشکی موفق شد دشمن را به عقب رانده و مانع از بروز جنگ فراگیر شود. اگر دورنمای پیش‌بینی هاشمی را به دهه‌ها بعد مرتبط ندانیم، دست‌کم هفت سال پس از اظهارنظر او با حمله روسیه به اوکراین و سپس طوفان الاقصی، جهان در معرض جنگ جهانی قرار گرفت. اگر از سال ۱۳۹۵ هاشمی موفق می‌شد نگاه خود را به‌طور کامل اجرا کند توان دفاعی کشور امروزه جایگاه مناسبی نداشت.

دولت روحانی و همفکران‌شان با به عقب انداختن پروژه‌های نظامی و حتی پروژه‌های تحقیقاتی غیرنظامی در حوزه فضایی ضربات جبران‌ناپذیری به کشور وارد کردند. با این وجود طرفداران دولت تلاش خود برای تضعیف بنیه نظامی-دفاعی کشور را به بهانه‌های واهی و با قرار دادن آن در مقابل معیشت مردم تبلیغ می‌کردند.

این تیم علی‌رغم تمام تلاش‌ها در کسب رضایت مردم برای ضربه به بنیه دفاعی کشور ناکام ماند اما اگر بار دیگر بر قدرت دست یابد، به روند دفاعی ضربه‌ای مجدد وارد خواهد کرد. توان نظامی ایران ضامن امنیت اقتصاد و تاسیسات اقتصادی کشور است. بدون این توان تهران نه‌تنها قادر به تأمین امنیت تاسیسات اقتصادی در داخل خاک خود نیست بلکه خطوط تجاری ایران در دریاها هم در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.

روی کارآمدن جناحی در کشور که وابسته به لیبرال‌ها شناخته می‌شود برای ایران که شعار استقلال دارد، تنزل به حساب می‌آید. قدرت معنایی ایران با توجه به مقابله کشور با توسعه‌طلبی محور غربی به دست آمده و روی کارآمدن دولتی لیبرال به تضعیف این معنا منجر می‌شود. این تنزل معنایی از آن رو برای ایران خطرناک است که محور مقاومت براساس آن بنا شده است. بدون این محور ایران فاقد عمق راهبردی بوده و باید در مجاورت مرزهای خود با دشمن و توطئه‌هایش روبه‌رو شود. سخنان برخی نامزدها نشان داده آنها گرایش‌های محسوسی به دیدگاه‌های غربی داشته و نسبت به محور مقاومت بیگانه‌اند. خطر تکرار دوره روحانی بسیار جدی است. سوال مهم این است که آیا ایران بار دیگر به سمت غرب می‌شتابد و با طرد شدن همچنان دستانش خالی می‌ماند؟ جواب این سوال در دولت روحانی داده شد و آژپودن دوباره‌اش خطایی بزرگ است.

تیم سیاست خارجی روحانی در ستاد یکی از نامزدها تجمع کرده‌اند. رویکرد این تیم نگاه به غرب بود و بر همین اساس با تمام طرف‌های دیگر با پرخاش رفتار می‌شد. برهم خوردن روابط تهران با بسیاری از همسایگان حتی همسایگان آرام در این دوره نشان‌دهنده عملکرد این تیم است.

### نتیجه

ایران در گردونه رقابت‌های جهانی قرار دارد. برکنار ماندن از این گردونه امکان‌پذیر نیست و هرکه بخواهد بیرون از آن قرار گیرد، بالعکس تلاشش در مرکز تغییر و تحولات اما به شکل منفی قرار می‌گیرد. روی کارآمدن دولتی که فهمی از مناسبات جهانی نداشته و به دنبال خروج از گردونه رقابت‌هاست، همانند سال‌های دولت روحانی سایه جنگ را به کشور نزدیک می‌کند. شعارهای رمانتیک سر داده شده توسط تیم روحانی در نگاه اول شیرین به نظر می‌رسیدند اما تجربه زانبار کشور با این تیم تلخی بزرگی در کام ملت نشاند. در دوران روحانی ارکان مختلف کشور، مجلس و حتی بخش مهمی از وزرا در تلاش برای پیشرفت کشور بودند اما هسته اصلی قدرت در این دولت که بیرون از نظارت و کنترل مجلس مانده بود، همانند چوب در بین چرخ‌های پیشرفت کشور تنها نقش کندکننده را ایفا می‌کرد.

و به مسئولیت‌هایی مانند ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیری، ریاست شورای عالی قضایی و دیگر مقام‌ها و جایگاه‌های عالی رسیده‌اند. بافت جمعیتی مرکز به‌ویژه پایتخت نیز به شدت تحت تأثیر اقوام است. ربط دادن مشکل مرکز-حاشیه به قومیت، نشان‌دهنده فهم نادرست آن در مرحله اول درک یک پدیده است. رنگ قومی دادن به مشکل مرکز-حاشیه خود به خود باعث رشد دیدگاه‌های جدایی‌طلبانه و گریز از مرکز می‌شود.

در کشورها لابی‌گری امری مرسوم است. به نظر می‌رسد لابی ترکیه و آذربایجان در ایران به شدت فعال شده و به دنبال بهره‌برداری از شرایط انتخاباتی کشور برای منافع خود و به زیان ایران هستند. در این میان سیاستمداران آلوده به باندهای فساد و واسطه‌گری اقتصادی که در ستاد یکی از نامزدها لانه کرده‌اند، خطر بزرگی برای کشورند. ایران نباید تحت تأثیر دو کشوری قرار گیرد که به لحاظ سیاسی از تهران در مناسبات منطقه‌ای عقب‌تر هستند. صرف تأثیر گرفتن ایران از این دو کشور هم‌اکنون نیز بر تنزل جایگاه تهران مؤثر واقع شده است.

یک دولت برای پیشرفت و توسعه نیاز به اجماع نخبگان و نهادها دارد. با این وجود طی سال‌های اخیر دولت روحانی نشان داد اجماع در لایه‌های مختلف را منهدم می‌کند. در دولت او شکاف از هرسو قابل مشاهده بود به‌گونه‌ای‌که اخیراً رئیس دفترش از اختلافات با دبیر شورای عالی امنیت ملی این دولت خیر داده است. دولت روحانی به‌طور جدی با مجلس، قوه قضائیه و دیگر نهادها دچار مشکل بود. روی کارآمدن مجدد تیم وی در کشور می‌تواند عقبگرد بزرگ‌تری نسبت به دهه ۱۳۹۰ در کشور بیافریند.

در دموکراسی‌ها تلاش می‌شود با دربرگیری تمام افکار، گروه‌ها و ایده‌ها در ساختارهای مختلف حکومتی رقابت‌ها از خیابان به صندوق‌های رای کشیده شود. با این وجود یک طیف تلاش کرده چه در زمان حضور در قدرت و چه در زمانی که بیرون از آن بوده، از طریق خیابان از دیگران باج‌خواهی کند. حضور این گروه‌ها در ساختار دولتی نه‌تنها بازآرنده آنها از اغتشاش نیست بلکه کشور همانند ۱۳۷۸ و ۱۳۸۲ عرصه تاخت‌وتاز خواهد شد. چنین پدیده‌ای ضربه‌ای بزرگ به دموکراسی کشور و مشارکت در کشور است. در این شرایط ایران به جای بهره بردن از مزایای دموکراسی در اداره کشور و کسب وجهه جهانی و منطقه‌ای، با سرخوردگی و سرکوفت دیگران مواجه می‌شود.

ایران نباید در بلوک‌بندی‌های جهانی به عضویت یکی از آنها درآید. موقعیت مطلوب برای ایران بازیگری میان آنهاست. براساس دیدگاه‌ها، در میان قطب‌های قدرت درحال شکل‌گیری، آمریکا، چین و روسیه دارای قدرتمند. در دوره روحانی تلاش شد برای خوشایند آمریکا از چین و روسیه احتراز شود و درنهایت واشنگتن به سمت جنگ با تهران کشیده شد که نتیجه اسفبار این سیاست بود. این گروه برای غش کردن به سمت غرب دیگران را به حمایت از چین و روسیه متهم می‌کنند. این اقدام برای توجیه غش کردن به سمت غرب و پوشش آن در افکار عمومی صورت می‌گیرد تا دیگران متوجه آن نشوند. ادبیاتی که بخش‌هایی از حامیان دولت روحانی برای توجیه امتیازدهی به غرب استفاده می‌کردند و شامل اتهاماتی درخصوص ارتباط با چین و روسیه بود، فضای معاصر چند دهه گذشته را در کشور زنده کرد.

به نظر می‌رسید دولت روحانی به دنبال کسب رضایت غرب، با کند کردن روند توسعه نظامی ایران است. این هدف اما به شکل شرافتمندانه و صادقانه‌ای پیگیری نمی‌شد بلکه تلاش می‌شد با قرار دادن موشک در برابر معیشت، مردم در برابر توان نظامی‌ای که برای حفاظت از آنها توسعه می‌یافت قرار گیرند. این اتفاق درحالی رخ می‌داد که موفقیت صنعت نظامی نه به دلیل اختصاص مبالغ کلان بودجه‌ای بلکه به دلیل مدیریت صحیح و مجاهدت‌های بی‌وقفه به دست آمده بود. بنابر اذعان آمارها، ایران به نسبت تولید ناخالص داخلی یکی از کمترین بودجه‌ها را در حوزه نظامی دارد. این بودجه از بسیاری از کشورهای کوچک و کم‌جمعیت

شرقی درهای همکاری با ایران را گشوده و محور غربی درها را به‌طور کامل بسته است، غش به سمت غرب و وارد چالش شدن با محور شرقی سیاست عاقلانه‌ای نیست.

### جهان هسته‌ای

جهان هسته‌ای شده و بازگشت کشور به فضای سال ۲۰۱۵ خطرناک است. امروزه از هرسو فریادهایی نه برای ساخت بلکه برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای شنیده می‌شود. اگر ایران ذخایر خود را کاهش دهد، دشمن پنجره‌ای طلایی برای وارد آوردن فشار حداکثری به کشور می‌یابد. روسیه و ناتو هردو از احتمال تغییر دکترین هسته‌ای خود داده‌اند. این تغییر دکترین از سوی کشور و مجموعه‌ای غیرهسته‌ای اعلام نشده تا به معنای حرکت به سمت تولید سلاح باشد بلکه از سوی بزرگ‌ترین داندگان سلاح‌های هسته‌ای ابراز شده است. قدرت‌های جهانی با تمرکز بر تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی و استقرار کلاهک‌های هسته‌ای در نزدیک هدف، درحال تشدید سیاست‌های هسته‌ای در جهان هستند.

### رفع تحریم‌ها

«رفع تحریم» مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران با مهم‌ترین دلیل تبدیل سیاست خارجی به مساله‌ای حیاتی در انتخابات ریاست جمهوری است. از این رو با فرض ریاست‌جمهوری هریک از نامزدها باید نسبت آنها با تحریم را سنجید. سنجه‌ای که دوره ۸ ساله حسن روحانی در دهه ۱۳۹۰ به دست جامعه داد، این نکته بود که تعامل دولت ایران با تحریم باید دوسویه باشد. در دولت روحانی با وجود علاقه‌مندی او و تیمش برای حل‌وفصل مشکلات با غرب که امتیازدهی‌های سنگین را به دنبال داشت، آمریکا نه‌تنها علاقه‌مندان به خود را نادیده گرفت بلکه بر طبل جنگ با آنها کوبید. این دوران خطرناک نشان داد مذاکره و تعامل با آمریکا آنچنان پیچیده و نیازمند رعایت همه جوانب است که حتی علاقه‌مندی به روابط با واشنگتن و امتیازدهی سنگین خطر بروز جنگ را به دنبال دارد. سنجه دیگر دوران روحانی که مهم‌تر از هرچیز دیگری است، فرض باقی ماندن تحریم‌ها با وجود امتیازدهی و تعهد حداکثری است. دولت روحانی پس از شکست کامل توافق با خروج آمریکا از آن اعلام کرد اداره کشور با تحریم را بلد نیست. در آن برهه شایعاتی مطرح شد مبنی بر اینکه دولت روحانی با این بهانه که اداره کشور با تحریم را بلد نیست، از اداره کشور سر باز زده و در برهه‌ای قصد استعفا داشته است. دوران سخت دهه ۱۳۹۰ نشان داد دولت بر سرکار علاوه‌بر اعتقاد به مذاکره و پیگیری آن باید قائل و قادر به اداره کشور با وجود باقی ماندن تحریم‌ها باشد. سخنان و کارنامه نامزدها درخصوص اداره کشور در دو شرایط با تحریم و بدون تحریم قابل «ارزیابی» است اما به سختی قابل «آزمودن» است. آزمودن مواضع یک نامزد زمانی ممکن است که او دارای کارنامه اجرایی قدرتمندی باشد. با این‌حال در صورت عدم وجود کارنامه شخصی می‌توان به آزمودن با در نظر گرفتن سوابق اعضای ستاد یک نامزد پرداخت.

### خطاها و خطرات

شعارهای هر رئیس‌جمهور در دوران انتخابات فارغ از نیت و اراده وی تأثیراتی بر معادلات دارند. برخی شعارها و صداهای شنیده شده از رقابت‌های انتخاباتی حاوی خطاها و خطرانی است.

ایران دارای اقلیت مذهبی است اما هیچ‌گاه به معنای گسترده دارای اقلیت قومی نبوده است. اشاره به مساله «مرکز-حاشیه» برای توضیح توزیع نامناسب امکانات با ادبیاتی مانند «اقلیت‌های قومی»، حرکتی ناخواسته به سمت تضعیف حاکمیت ملی و دولت مدرن است. این مساله مشکل مرکز-حاشیه را حل نمی‌کند بلکه پایگاه‌زدایی مرکز از حاشیه است.

باید توجه داشت مشکل مرکز-حاشیه یک مشکل جغرافیایی است نه یک مشکل قومی و نمی‌توان برای آن راه‌حل‌های قومی توصیه کرد. اقوام ایرانی ساکن در مرزها نه به دلیل قومیت، بلکه به دلیل جغرافیا از برخی امکانات محرومند. همین افراد با حضور در مرکز قدرتمند شده